

## شرح صدر در قرآن

مهدی آریان‌فر  
عضو حلقه علمی قرآن

**چکیده:** شرح صدر به معنای باز کردن سینه و برطرف ساختن دل‌تنگی و کنایه از تحقق استعداد رسیدن به کمال و توان‌مندی روحی و معنوی می‌باشد. این ویژگی موهبتی الهی است که دارای آثاری می‌باشد و عواملی مانند تدبر در قرآن، ذکر، تسبیح، دعا و ... آن را تقویت می‌کند و فوایدی همچون هدایت الهی، آراسته شدن به نور عقل، علم و ایمان، عفو و گذشت و دل‌کنند از دنیا دارد. این ویژگی در پیامبران الهی مانند نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام یافت می‌شود. تجلی بیشتر شرح صدر در اخلاق حسنه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که هم‌ردیف سایر معجزات پیامبران دیگر شمرده شده است.

**کلیدواژگان:** شرح صدر، ضیق، حلم و صبر، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، اخلاق فردی.

### مقدمه

یکی از مفاهیم اخلاقی که در قرآن و تعالیم اهل‌بیت علیهم السلام بر آن تأکید شده است، شرح صدر می‌باشد. از آیات قرآن برمی‌آید که شرح صدر ابزاری است که پیامبران الهی در مسیر رسالت خویش از آن بهره می‌گرفتند و در سایه این موهبت الهی، به تبلیغ دین و ارشاد مردم می‌پرداختند.

ین نوشته می‌کوشیم ابعاد مختلف این موهبت الهی مانند عوامل، نشانه‌ها و

نقش آن را در رسالت انبیا بررسی کنیم. امید است این نوشته مختصر، راه‌گشای عملی مدیران، مبلغان و همه کسانی که با مردم در تعامل هستند، قرار گیرد.

### مفهوم‌شناسی

شرح صدر مرکب از دو واژه شرح و صدر می‌باشد. صدر به معنای قفسه سینه و جمع آن صدور است. این واژه برای برجسته و مقدم‌ترین بخش هر چیزی استعمال می‌شود، مانند صدر کلام، صدر کتاب، صدر مجلس و از آنجا که قلب در سینه قرار دارد، برای قلب هم مجازاً استعمال می‌شود.<sup>۱</sup>

### تفاوت کاربردی قلب و صدر در قرآن

راغب اصفهانی می‌گوید: «قلب اشاره به عقل و علم دارد و صدر، افزون بر اینها شامل سایر قوای شهویه، غضبیه و ... می‌شود.» «رب اشرح لی صدی»؛ «سایر قوایم را اصلاح کن!» «یشف صدور قوم مؤمنین»؛ «این قوا را شفا بده». «ولکن تعمی القلوب الّتی فی الصدور»؛ «عقولی که در سایر قوا مندرس و هدایت نیافته است»<sup>۲</sup>.

توضیح اینکه ارتباط صدر و قلب همانند سفیدی چشم و سیاهی آن و یا همانند حیاط خانه و خانه است. همان‌طور که در حیاط خانه ممکن است چیزهایی از قبیل حیوان، درخت و ... یافت شود که در خانه نباشد، در صدر هم ممکن است چیزهایی یافت شود که در قلب نباشد! و نیز همان‌گونه که عرق، گرد و خاک و ... به سفیدی چشم، راه می‌یابد، صدر نیز جایگاه ورود وساوس و آفات می‌باشد! صدرمانند حوض آب است و قلب چون آب! و از آنجا که صدر در ابتدای مقام قلب است، مسّی به صدر شده است. از آیات قرآنی برمی‌آید که صدر، پذیرنده انواع وساوس، آفات، شهوات و هواهای نفسانی است، چراگاه نفس اماره و همواره مورد آزمایش است، به صورتی که اگر وسوسه‌ها تداوم یابد، وارد قلب می‌شود و از سوی دیگر محل ورود نور دیانت نیز می‌باشد که اگر تداوم یابد، وارد قلب شده و تبدیل به نور ایمان می‌گردد. از این رو انشراح و ضیق به صدر - و نه قلب - اختصاص دارد.

۱. شیخ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۷۵.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۷۶.

قلب داخل صدر است (حج/۴۶)؛ معدن نور ایمان و تقوی است (فتح/۲۶)، حالات و صفاتی همچون سکینه (فتح/۴)، اطمینان (مائده/۲۱۳)، خشوع (حدید/۱۶)، خلوص و طهارت (احزاب/۵۳) جایگاهش در قلب است که با عبور از صافی صدر به قلب می‌رسند.<sup>۱</sup>

شرح به معنای کشف و بیان، توسعه، باز کردن، گشودن، گستردن، فراخی بخشیدن، روشن و آشکار نمودن است.<sup>۲</sup> شرح مطلب یعنی باز کردن، توضیح دادن و روشن ساختن آن. اصل آن از شرح اللحم یعنی تکه کردن گوشت می‌باشد.<sup>۳</sup> مشتقات این واژه پنج مرتبه در قرآن آمده است (انعام/۱۲۵؛ نحل/۱۰۶؛ طه/۲۵؛ زمر/۲۲؛ انشراح/۱) و در تمامی موارد همراه با واژه صدر است. با توجه به معنای لغوی شرح می‌توان گفت سعه صدر هم مترادف با شرح صدر می‌باشد.

### معنای اصطلاحی شرح صدر

شرح، نوع خاصی از توسعه و بسط موضوع است که در مقابل قبض و بسته بودن قرار دارد. به مفاهیم تبیین، توضیح، تفسیر، کشف و ... از آنجا که موضوع را بسط می‌دهند، شرح نیز گفته می‌شود. شرح صدر، انبساط در صدر و رفع انقباض و موانع است تا استعداد پذیرش نور ایمان فعلیت یابد. بنابراین انشراح همان تحقق اقتضا، استعداد و آمادگی است. آیات دربردارنده شرح صدر، مؤید این مطلب می‌باشد: ﴿وَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ...﴾<sup>۴</sup>، ﴿فَوَيْلٌ لِلنَّاسِ يَوْمَ قُلُوبِهِمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ...﴾<sup>۵</sup>، ﴿وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي...﴾<sup>۶</sup> که اینها بیان گر رفع موانع و تحقق اقتضا هستند و این نوعی پاداش، لطف، منت الهی و وسیله هدایت است: ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾<sup>۷</sup>. «لام» در اینجا لام منفعت است و کنایه از انتفاع بردن و تحصیل اسلام و ایمان می‌باشد. اما در آیه ﴿...وَلَكِنْ مَّنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنْ

۱. ر.ک: ابو حکیم ترمذی، بیان الفرق بین الصدر و القلب و الفؤاد و اللب، صص ۱۹-۲۰.

۲. ر.ک: فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲۴، ص ۳۸۰؛ سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۴۹۷.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۵۸.

۴. انشراح/۲.

۵. زمر/۲۲.

۶. طه/۲۵.

۷. انعام/۱۲۵.

الله...<sup>۱</sup> واژه شرح را به همراه حرف «با» می‌بینیم. از این رو، بیان می‌کند که در این جا شرح طبیعی نیست، بلکه به وسیله کفر است؛ پس موقت و ظاهری خواهد بود.<sup>۲</sup> صدر مرتبه اولیه و ظاهریه قلب است و قابلیت پذیرش اسلام و کفر را دارد و در این آیه به بنده نسبت داده شده، چرا که خداوند هیچ‌گاه قلب بنده خود را با کفر انشراح نمی‌دهد. هر کس از حق دل تنگ شود، دلش با باطل وسعت گیرد و هر کس از باطل دل تنگ شود، دلش برای حق وسعت یابد. تنگ‌دلی انبیا که ناشی از تکذیب قوم‌شان است، از نوع دوم می‌باشد و ضیق صدر کفار را از دسته اول می‌دانیم.

نتیجه اینکه شرح صدر تحقق استعداد برای طلب کمال، اولین شرط در سیر الی الله و باب ورود به هدایت است.<sup>۳</sup>

برخی از مفسرین مراد از قلب را روح و جان آدمی می‌دانند. این دیدگاه می‌گوید با دقت در سایر جان‌داران درمی‌یابیم که با اغما، بی‌هوشی و مانند اینها شعور و ادراک از جان‌دار جدا می‌شود، بی‌اینکه جانش از بین برود و نبضش قطع شود. اما در حالتی که قلب از کار افتد، بی‌فاصله جانش گرفته می‌شود، زیرا روح هر جان‌داری در مرحله اول و پیش از هر چیز به قلبش تعلق می‌گیرد و سپس به سایر اعضا سرایت می‌کند. همه آثار و خواص روحی مانند شعور و اراده، حب و بغض، امید و ترس و ... از آن جهت به قلب نسبت داده می‌شود که قلب اولین عضو دربردارنده روح حیات است؛ بنابراین مراد از قلب روح و جان است.<sup>۴</sup>

با توجه به این مطلب، شرح صدر به معنای گستردگی روح است که کنایه از توان‌مندی روحی و معنوی می‌باشد. «شرح صدری که ظرف علم و عرفان است، همان توسعه‌ای است که باعث می‌شود انسان هر حقی را بپذیرد و به آن عمل نماید. این حالت، ناشی از روشنایی قلب است»<sup>۵</sup>.

### تقابل شرح صدر با ضیق صدر و قساوت قلب

از آیه ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ

۱. نحل/۱۰۶.

۲. شیخ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۳۱.

۳. سید حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۲.

۴. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۲۳.

۵. همان، ج ۷، ص ۳۴۱.

ضَيْقًا حَرْجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۱﴾  
 برداشت می‌شود که در مقابل شرح صدر ضیق صدر است و همان‌طور که انشراح  
 صدر مقدمه هدایت است، ضیق صدر هم مقدمه ضلالت و گمراهی می‌شود. بنابراین  
 در جبهه مقابل شرح صدر، ضیق و قساوت قلب قرار دارد. ﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ  
 لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّنْ رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْفَاسِقِينَ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ... ۲﴾ ضیق صدر به معنای  
 دل‌تنگی و سخت شدن دل و کنایه از کم‌حوصلگی و تحمل پایین می‌باشد؛ به  
 صورتی که در مواجهه با حق و حتی باطل عکس‌العمل سریع و تندی در رد یا  
 اثبات آن صورت گیرد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من ضاق صدره لم يصبر على أداء  
 حق»؛ «هر کس ضیق صدر داشته باشد، ادای حق را بر نمی‌تابد».<sup>۳</sup> آیه دیگری که  
 می‌توان از آن تقابل شرح و ضیق را فهمید، آیه دوم سوره اعراف است: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلَ  
 إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لَتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ این آیه، بیان می‌دارد  
 که در تبلیغ قرآن، پیامبر هیچ‌گونه دل‌تنگی به خود راه ندهد و همواره شرح صدر  
 داشته باشد. به بیانی دیگر «شرط رسالت و تبلیغ سعه صدر است».<sup>۴</sup> بنا بر آنچه  
 گذشت، دانستیم که ضیق صدر از صفات روحانی است که به سراغ هر انسانی  
 می‌آید و آنچه ضرورت دارد این است که انسان باید تمام تلاش خود را به کار گیرد  
 تا این ضیق صدر به شرح صدر تبدیل گردد.

### آثار و لوازم شرح صدر

شرح صدر صفات پسندیده اسلامی را در انسان آشکار می‌کند.

#### ۱. بیرون آمدن از حالت تردید و تصمیم بر کار

«ضیق صدر کفار و معاندین نتیجه گناه و جهل آنان به حقایق است. گرفتگی  
 سینه، ضعف اراده و تحیر را دامن می‌زند و از نوعی انفعال و تأثر روحی سرچشمه  
 می‌گیرد که برگرفته از آثار و کشش تخیلات و جاذبه‌های آن است. همین که  
 انسان بتواند خود را از معرض جاذبه‌های مخالف و تأثیرات آن برهاند و در یک  
 جهت مصمم شود، سینه‌اش باز و سیرش آسان گردد. بنابراین مهم‌ترین اثر شرح

۱. انعام/۱۲۵.

۲. زمر/۲۲.

۳. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۶۵۷.

۴. محسن قرآتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۱۶.

صدر بیرون آمدن از حالت تردید و تصمیم بر کار و تحمل دشواری‌ها و اطمینان نفس است»<sup>۱</sup>.

## ۲. گشاده‌رویی

قلب انسان منشأ تأثرات فکری و نفسانی است و در هنگام بسط و گشادگی در چهره نمایان می‌شود.

## ۳. عطوفت و لطف

انسانی که بسط وجودی پیدا می‌کند، لطفی فراگیر دارد. هرچه حیطة توانایی روحی یک فرد بیش‌تر شود، عطوفت و لطف او نیز افزون می‌گردد که شرح صدر این مشخصه را در خود دارد.

## ۴. عیب‌پوشی

انسانی که شرح صدر دارد، رفتار مردم را حمل بر صحت می‌کند. قرآن کریم در مورد پیامبر می‌فرماید:

﴿ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُّ أَدْنَىٰ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُونَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۚ ﴾<sup>۲</sup>؛ «از آنان گروهی پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او آدم خوش‌باوری است! بگو: خوش‌باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد و (تنها) مؤمنان را تصدیق می‌کند و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند!» گروهی از منافقان که سخنان ناروا در مورد پیامبر می‌گفتند و در حقیقت یکی از نقاط قوت پیامبر ﷺ را که وجود آن در یک رهبر کاملاً لازم است، به عنوان نقطه ضعف نشان می‌دادند، از این واقعیت غافل بودند که یک رهبر محبوب، باید نهایت لطف و محبت را نشان دهد، تا حد توان عذرهای مردم را بپذیرد، و در مورد عیوب آنها پرده‌داری نکند (مگر در آنجا که این کار موجب سوء استفاده شود)<sup>۳</sup>.

## ۵. آرامش و وقار

انسانی که دلش نور حق و ایمان را بپذیرد، شرح صدر و آرامش می‌یابد و از اضطراب و بی‌ثباتی آزاد می‌گردد. او بر آنچه از دست می‌دهد، اندوهگین نمی‌شود

۱. حسین انصاریان، عرفان اسلامی، ج ۱، ص ۲۸.

۲. توبه/۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۵.

و به آنچه دارد دل نمی‌بندد، پس چنین کسی در اداره امور دچار تزلزل نخواهد شد. سکینه و آرامش درونی موجب می‌شود آدمی در برابر سختی‌ها به‌ویژه در میدان‌های نبرد از پانیتد، همچنان که در تاریخ می‌بینیم خداوند با اعطای سکینه و آرامش مسلمانان را در جنگ پیروز می‌گرداند.<sup>۱</sup>

### ۶. بردباری، شکیبایی و فروبردن خشم

انسانی که نور علم و حکمت، جانش را فرا می‌گیرد و توفیق معرفت خداوند را می‌یابد، رحمتش بر غضب پیشی دارد، خشمش را در اختیار می‌گیرد و همواره صبر پیشه می‌سازد؛ صبر کردن در برابر مصائب، شکیبایی در انجام واجبات و ترک محرمات، بردباری در رویارویی با مشکلات و آزار فرد مقابل که ناشی از جهل وی است و صفات دیگری از این دست، همگی در پی شرح صدر می‌آید.

در مقابل آثار شرح صدر، اوصاف زشتی مانند قساوت قلب، کینه، نفاق، حسادت، جهل، ظریت پایین و کم‌حوصلگی از ضیق صدر منشعب می‌شود که اگر برخی از اینها - به جز دو مورد اخیر - در عمل بروز نمایند، موجب بدبختی و خسران فرد خواهد شد.

تا اینجا دانستیم صفات حلم، صبر، آرامش، عطوفت و اطمینان نفس در شرح صدر ریشه دارد و قساوت قلب، کینه، نفاق و تردید در عمل منشعب از ضیق صدر می‌باشد.

### عوامل شرح صدر

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که توجه به برخی امور در شرح صدر مؤثر است و آن را در انسان تقویت می‌نماید:

#### ۱. تدبر در قرآن

صدر، نهان‌خانه قلب است که اسرار و صفات روحی و باطنی - فضایل و رذایل - در آن جای می‌گیرد. صحت و استقامت قلب در فضایل است و بیماری آن در رذایل؛ بنابراین رذیله مرض قلبی است. برای این مرض، دارویی لازم است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ «ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده، و درمان

۱. توبه/۲۶

۲. یونس/۵۷

آنچه در سینه‌ها است، و هدایت و رحمت برای مؤمنان». شفای آنچه در سینه است، کنایه از نابودی صفات روحی زشت و گناهان قلبی است که موجب ضیق قلب شده است.<sup>۱</sup> شفابخشی قرآن شرطی دارد که بدون آن قلبها تسکین نمی‌یابد و آن تدبر و تفکر در آیات آن است؛

﴿ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ۚ ﴾؛ «آیا آنها در قرآن تدبر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟»

## ۲. ذکر

ذکر لفظی و معنوی از دیگر عوامل شرح صدر است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الذکر یشرح الصدر»<sup>۲</sup>؛ «ذکر جان را گشاده می‌گرداند». قلب انسان خواهان رسیدن به سعادت و دوری از شقاوت است. تنها سببی که هیچ‌گاه مغلوب و نابودشدنی نیست، خداوند است؛ پس تنها با یاد خداوند دل‌ها آرام می‌گیرد: ﴿...أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ ۚ﴾<sup>۳</sup> و توجه به غیر خدا قلب را مضطرب و متزلزل می‌سازد.<sup>۴</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«أوحى الله عزوجل إلى موسى يا موسى لا تفرح بكثرة المال، و لا تدع ذكرى على كل حال، فإن كثرة المال تنسى الذنوب، و إن ترك ذكرى يقسى القلوب»؛ «خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرستاد که ای موسی! از فزونى اموال خوش حال مباش و یاد مرا در هیچ حال ترک مکن، چرا که فزونى مال غالباً موجب فراموش کردن گناهان است، و ترک یاد من قلب را سخت می‌کند»<sup>۵</sup>

البته آیه فوق (یعنی: ...أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ)، منافاتی با آیه ﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ... ﴾<sup>۶</sup> ندارد؛ زیرا لرزش و ترس قلب مقدمه‌ای است برای اطمینان. به بیان دیگر قلب مؤمن با یادآوری عقاب الهی می‌لرزد و با التفات

۱. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۸۰.

۲. محمّد ۲۴.

۳. محمّد محمّدى ری شهری، میزان الحکمة، ج ۲، ص ۹۷۲.

۴. رعد ۲۸.

۵. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۵۴.

۶. محمّدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۴۲.

انفال ۲/.



به ثواب و نعمت‌های الهی آرام می‌گیرد.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر نگرانی ویران که برخاسته از عوامل مادی است، در مؤمنین ندارد، در حالی که نگرانی سازنده که از مسئولیت‌پذیری ناشی می‌شود، در مؤمن یافت می‌شود.<sup>۲</sup>

### ۳. تسبیح و عبادت

از دیگر اسباب شرح صدر و رفع دل‌تنگی، تسبیح و عبادت است. ﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ \* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ﴾<sup>۳</sup>؛ «و ما می‌دانیم سینه‌ات از آنچه آنان می‌گویند تنگ می‌شود و تو را سخت ناراحت می‌کند. برای رفع ناراحتی از آنان پروردگارت را تسبیح و حمد بگو و از سجده‌کنندگان باش.»

گاهی اوقات پیامبر اسلام ﷺ از تمسخر مشرکین و همچنین از درخواست‌های نامعقول آنان دل‌گیر می‌شد.<sup>۴</sup> به همین جهت خداوند برای رفع این دل‌تنگی دستور می‌دهد او تسبیح گوید و سجده گذارد که سجده کنایه از نماز و عبادت است. بدین ترتیب با تسبیح الهی و عبادت به‌ویژه با نماز گزاردن انسان از دل‌تنگی رها می‌شود. باید ضیق صدر پیامبران در راستای رسالت و منبعث از تکذیب مخالفان باشد، پس امری طبیعی به نظر می‌رسد.

### ۴. دعا و درخواست از خداوند

آخرین عاملی که در شرح صدر نقش مهمی دارد، دعا کردن و درخواست از خداوند است. این عامل را از آیهٔ سورهٔ حجر که پیش‌تر آمد، می‌توان برداشت کرد. افزون بر آن، سیرهٔ انبیا در تقاضای این موهبت نیز مؤید دیگری مبنی بر این است که شرح صدر از سوی خداوند به بشر اعطا می‌شود و باید آن را از خداوند خواست. رفتار حضرت موسی عليه السلام نمونه‌ای از این سیرهٔ انبیا است. ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾<sup>۵</sup>؛ «گفت پروردگارا سینه‌ام را آماده (برای پذیرش مسولیت رسالت و مشکلات آن) ساز.»

در این میان عده‌ای، مطالعات پی‌گیر و مستمر و ارتباط مداوم با علمای صالح، خودسازی و تهذیب نفس، پرهیز از گناه و به‌ویژه غذای حرام را نیز از عوامل شرح

۱. شیخ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۹۸.

۲. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۱۵.

۳. حجر ۹۷ و ۹۸.

۴. هود/۲۵.

۵. طه/۲۵.

صدر دانسته و در برابر، جهل، گناه، لجاجت، جدال، مراء، هم‌نشینی با بدان و فاجران و مجرمان، دنیاپرستی و هواپرستی را زمینه‌ساز تنگی روح و قساوت قلب می‌دانند.<sup>۱</sup>

### فواید شرح صدر

کسی که شرح صدر دارد، طبیعتاً در رفتار و روحیات اخلاقی وی نمایان می‌شود، به گونه‌ای که از این راه می‌توان فهمید شرح صدر دارد، یا از ظرفیت پایین برخوردار است. دسته‌ای از این فواید را می‌توان از قرآن برداشت کرد:

#### ۱. هدایت الهی

از مهم‌ترین فواید شرح صدر مؤمن، هدایت الهی است. ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...﴾؛ «پس خدا هر که را بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای پذیرش اسلام گشاده می‌گرداند». بنابراین شخص هدایت‌یافته همواره برخوردار از شرح صدر است، به گونه‌ای که در پذیرش حق و واقعیت هیچ‌گونه لجاجت و عنادی ندارد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«ان الله اذا اراد بعبد خيراً شرح صدره للإسلام»<sup>۲</sup>؛ «خداوند اگر خیر و نفع بنده‌ای را بخواهد، به وی شرح صدر عطا می‌کند تا اسلام را بپذیرد». بنابراین هدایت شدن به اسلام از فواید شرح صدر است.

#### ۲. آراستگی به نور الهی

کسی که برخوردار از شرح صدر است، همواره از نور الهی بهره می‌گیرد. انسانی که از طریق شرح صدر تسلیم محض الهی می‌شود و حقیقت را از روی بصیرت و فهم قبول می‌کند، مانند این است که سوار بر مرکبی از نور، گستره وسیعی از حق را می‌بیند و آن را از باطل باز می‌شناسد. چنین شخصی در ایمان خود دچار تزلزل و اضطراب نمی‌شود.

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلنَّاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۴۲۸.

۲. انعام/۱۲۵.

. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۶۵۸.

أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ<sup>۱</sup>؛ «آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده کرده، و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلانی است که نور هدایت به قلب‌شان راه نیافته) وای بر آنان که قلب‌هایی سخت در برابر ذکر خدا دارند، آنان در گمراهی آشکارند».

این نور الهی می‌تواند عقل، علم و عرفان باشد که مسلمان با آنها حق را از باطل تشخیص می‌دهد<sup>۲</sup>. نشانه‌اش این است که در برابر یاد خدا دل‌هایشان لرزان است<sup>۳</sup>. برخلاف کسانی که دل‌هایی سخت دارند که به یاد خدا هیچ اهمیتی نمی‌دهد و مانند سنگ سخت است؛ بلکه سخت‌تر از سنگ چرا که برخی از سنگ‌ها می‌شکافد و از آن نهرها جاری می‌گردد و برخی دیگر تکه می‌شود و آب تراوش می‌کند<sup>۴</sup>، اما شخص سنگ‌دل حتی این‌گونه نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إذا دخل النور القلب انفتح القلب و استوسع»<sup>۵</sup>؛ «هرگاه نور الهی در دل مؤمن تابید، دلش باز می‌شود و وسعت می‌گیرد».

همچنین می‌تواند مراد از نور ادلّه مؤکد باشد، «بدان سان که شبهات برایش حل شده باشد و گمان‌ها و افکار را دور ریزد. فَهَوَّ عَلَي نُّورٍ (پس بر او نوری است) یعنی دلالت و هدایتی مِنْ رَبِّهِ (از پروردگارش)، خداوند ادلّه را به نور تشبیه کرده چون با وساطت آنها حق شناخته می‌شود. آن چنان که به واسطه نور و روشنی مکان‌ها در دنیا شناخته می‌شود»<sup>۶</sup>.

### ۳. عفو و گذشت

شرح صدری که در دل انسان به وجود آمده، در رفتار و کردار وی بروز پیدا می‌کند. عفو و گذشت یکی از پی‌آمدهای آن است. زیرا هر که ظرفیت بالایی دارد، در عقاب کردن نمی‌شتابد و تا جایی که بتواند می‌بخشد.

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّفَنَفِضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ...﴾<sup>۷</sup>؛ «به برکت رحمت الهی در برابر آنها (مردم) نرم و مهربان شدی و اگر خشن

۱. زمر/۲۲.

۲. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۳۸۷.

۳. انفال/۲.

۴. بقره/۷۴.

۵. شیخ طوسی، الامالی، ص ۵۳۲.

۶. شیخ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۸، ص ۷۷۲.

۷. آل عمران/۱۵۹.

و سنگ‌دل بودی، از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش...» این آیه پس از جنگ احد هنگامی که برخی از مجاهدین فراری از جنگ، نزد پیامبر ﷺ آمده و اظهار ندامت و پشیمانی می‌کردند، نازل گشت. پیامبر ﷺ هم آنان را عفو کرد. در این آیه به یکی از ویژگی‌های پیامبر ﷺ در سعه صدر داشتن و نرم‌دلی نسبت به خطاکاران اشاره می‌کند و از پیامبر ﷺ می‌خواهد که عفو و گذشت را سرلوحه اعمال خویش قرار دهند؛ زیرا نبود گذشت و بخشش در برخی موارد موجب پراکندگی مردم و تشتت و اختلاف می‌گردد. بنابراین بر رهبری جامعه لازم است با سعه صدر از خطاهایی که پس از آن ندامت دارند، درگذرد. همچنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«آلة الرياسة سعة الصدر»<sup>۱</sup>؛ «گشوده‌جانی سینه از ابزار مدیریت است»<sup>۲</sup>.

#### ۴. دل‌کندن از دنیا

آخرین فایده شرح صدر که در اینجا می‌آوریم، دل‌بریدن از دنیاست. دل‌یستگی به دنیا ناشی از این است که صدر، برای پذیرش کفر آماده بوده است نه اسلام. زیرا مسلمانی که شرح صدر دارد، دارالغرور را بر دارالخلود برتری نمی‌دهد:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ...﴾<sup>۳</sup> «این به علت آن است که زندگی دنیای پست را بر آخرت ترجیح داده‌اند و خداوند افراد بی‌ایمان را هدایت نمی‌کند».

این پی‌آمد شرح صدر با کفر است که در آیه قبل آن بیان شده است:

﴿وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ﴾<sup>۴</sup>.

اما نتیجه شرح صدر با اسلام - شرح صدر واقعی - دل‌کندن از دنیاست. پیامبر ﷺ در ادامه حدیثی که قبلاً آمد، می‌فرماید: «قالوا: فهل لذلك من إمامة يعرف بها؟ قال ﷺ: نعم الإنابة إلى دار الخلود، والتجافي عن دار الغرور، والاستعداد للموت قبل نزول الموت»<sup>۵</sup> «پرسیدند آیا این نور نشانه‌ای دارد؟ فرمود: بلی و نشانه وجود آن نور (که ناشی از شرح صدر بود) بی‌میلی به سرای غرور (دنیا)، رغبت به دار خلود (آخرت)، و آمادگی برای مرگ پیش از فرود آمدن آن

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶.

۲. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۶۵.

۳. نحل/۱۰۷.

۴. همان/۱۰۶.

۵. شیخ طوسی، الامالی؛ نیز ر.ک: شیخ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۶۱.

است.

بنابراین دنیازدگی موجب اضطراب و تزلزل درونی می‌شود و برای برون‌رفت از آن باید با سعه صدر، نسبت به دنیا بی‌اعتنا باشیم. پس از بیان عوامل و نشانه‌های شرح صدر به بحث جایگاه آن در رسالت انبیا می‌رسیم.

### شرح صدر پیامبران

یکی از ویژگی‌های رهبری، داشتن شرح صدر است. پیامبران الهی که به نوعی نقش رهبری پیروان خود را ایفا می‌کردند، برخوردار از سعه صدر بوده‌اند و در هنگام مواجهه با ضعف یاران خود و قوت دشمنان از آن بهره می‌گرفتند. در این جا به نمونه‌هایی از شرح صدر برخی پیامبران اشاره می‌شود:

#### ۱. حضرت نوح علیه السلام

نوح مردی نجار بود که خداوند وی را به نبوت برانگیخت. گاه او را پدر دوم انسان خوانده‌اند او مدت ۹۵۰ سال مردم را به توحید دعوت کرد، در حالی که همه او را استهزا می‌کردند.

از آیات سوره‌های نوح، قمر و مؤمنون برمی‌آید که وی قوم خود را پیوسته دعوت می‌کرد و همه تلاش خویش را در این راه به کار می‌بست. این مجاهدت فراوان تنها ایمان اندکی از مردم را در پی داشت! اما باز او با از خودگذشتگی و شرح صدر به دعوت خود ادامه می‌داد تا اینکه ماجرای طوفان نوح رخ داد.

#### ۲. حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام از پیامبران بزرگ الهی، پایه‌گذار یکتاپرستی است. قرآن کریم در مواردی فراوان به مناسبت از این پیامبر یاد می‌کند. بررسی زندگانی حضرت ابراهیم علیه السلام نشان می‌دهد که حیات وی فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. قرآن در دو مورد به صفت حلم ایشان تصریح می‌کند و قبلاً بیان شد که این صفت ناشی از شرح صدر است. نخست در استغفار کردن برای آزر مشرک بود که همواره مخالف ابراهیم و سد راه وی می‌شد، اما با همان حال ابراهیم علیه السلام وعده استغفار به وی داد. قرآن این را ناشی از حلم ابراهیم علیه السلام می‌داند:

﴿ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ۲ ﴾؛ «همانا ابراهیم مهربان و بردبار است.»

۱. هود/۴۰.

. توبه/۱۱۴.

دیگری در مورد عذاب قوم لوط است. پس از اینکه فرشتگان عذاب نزد ابراهیم آمدند و بشارت فرزند دادند، خیر عذاب قوم لوط را به ابراهیم ابلاغ می‌کنند و او نیز به امید هدایت مردم و اینکه لوط در میان ایشان است، با آنها به مجادله می‌پردازد، غافل از اینکه حکم خدا در مورد آنها قطعی شده بود:

﴿ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ \* إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَخَلِيمٌ أَوْاهٌ مِّنِّيَّبٍ ۙ ﴾<sup>۱</sup> «پس وقتی ترس ابراهیم فرو نشست و بشارت به او رسید، درباره قوم با ما مجادله می‌کرد؛ چون ابراهیم مهربان و دل‌سوز و بسیار بازگشت‌کننده به سوی خدا بود».

افزون بر آن، سعه صدر ابراهیم را می‌توان از داستان‌هایی مانند ذبح اسماعیل و رها کردن زن و فرزند در صحرا نیز برداشت کرد که شرح هر یک در این مختصر نمی‌گنجد.

### ۳. حضرت موسی علیه السلام

پس از اینکه خداوند حضرت موسی علیه السلام را به تبلیغ فرمان داد و از درجه نبوت به مقام رسالت رساند و پس از اینکه معجزات عصا و ید بیضا را به او عنایت کرد، حضرت موسی نخستین درخواست خود را شرح صدر قرار داد. موسی در هنگام مواجه شدن با امر رسالت از یک سو ابهت و شوکت قبطیان - که در رأس آنها فرعون است - را به یاد می‌آورد؛ همان فرعون‌نی که خود را رب مردم می‌دانست و مردم را به ضعف کشانده بود؛ از سوی دیگر ناتوانی و خواری بنی اسرائیل را می‌بیند و در کنار اینها کم‌تحملی خودش و واکنش سریع وی در برابر ظلم و ستم را پیش چشم می‌آورد. در قضیه کشتن آن قبطی<sup>۲</sup> و در مصاحبت با خضر پیامبر و پرسش پی در پی از حکمت کارهایی که خضر انجام می‌داد، این بی‌صبری‌ها نمایان است. همه اینها نشان‌گر این است که وی کم‌تحمل بود. بدین جهت در این هنگام درخواست کلیدی خود را مطرح می‌سازد: ﴿ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي \* وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي \* وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي \* يَفْقَهُوا قَوْلِي ۙ ﴾<sup>۳</sup> «گفت پروردگارا سینه‌ام را گشاده کن و کارم را برابم آسان گردان و گره از زبانم بگشای تا سخن مرا بفهمند».

حضرت موسی علیه السلام با درخواست شرح صدر، زمینه تسهیل امر رسالت را فراهم

۱. هود/۷۴ و ۷۵.

۲. قصص/۱۵.

۳. طه/۲۵-۲۸.

می‌آورد. چون اگر قرار است رهبری قوم بنی‌اسرائیل را در مواجهه با فرعونیان قدرت‌مند به عهده گیرد، لازم است سعه صدر داشته باشد تا در برابر تکذیب‌شان دل تنگ نگردد.

#### ۴. حضرت عیسی علیه السلام

زندگانی حضرت عیسی علیه السلام از سخن گفتن در گهواره شروع می‌شود و سپس وقتی به پیامبری می‌رسد، خداوند وی را به سوی بنی‌اسرائیل مبعوث می‌کند تا آنان را به دین توحید دعوت نماید. رسالت این پیامبر با معجزاتی نیز همراه بوده است همچون خلقت پرنده، درمان پیسی و برص، زنده کردن مرده، خبر دادن از مسایل غیبی مردم که همه اینها با اذن خدا بوده است! عیسی علیه السلام مبنای دعوت و شریعتش را دو چیز قرار می‌دهد: یکی تصدیق شریعت موسی علیه السلام با نسخ اندکی از محرّمات تورات و دیگری بشارت به ظهور منجی و آخرین پیامبر پس از خودش که احمد علیه السلام نام دارد.<sup>۱</sup>

عیسی علیه السلام پس از تلاش فراوان برای دعوت مردم به دین توحید با مخالفت و عناد آنان روبه‌رو می‌شود و در عین حال با شرح صدری که دارد به دعوتش ادامه داده و اندکی از پیروان خود را که حواریون نام گرفتند، برمی‌گزیند.<sup>۲</sup> در پایان یهود تصمیم به قتل وی می‌گیرند و خداوند مانع شده و امر را بر یهود مشتبه می‌سازد تا شخص دیگری را به صلیب بیاویزند. حضرت عیسی علیه السلام نیز به سوی خدا عروج می‌کند.<sup>۳</sup>

#### ۵. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آینه تمام‌نمای شرح صدر است. دارای اخلاقی نیکو ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۴</sup> و نرم‌دل است. ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ﴾<sup>۵</sup>. رنج‌های مردم بر ایشان سخت است و اصرار بر هدایت آنان دارد و به دین‌داران مهر می‌ورزد: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

۱. آل عمران/۴۹.

۲. صف/۶.

۳. آل عمران/۵۲.

۴. نساء/۷۵۱. ر. کة ابن‌کثیر، قصص الانبیاء، صص ۳۹۳-۴۶۱؛ علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، صص ۱۹۳-۲۹۰ و ۲۷۴-۳۱۰، ج ۱۹، ص ۲۵۱.

۵. قلم/۴.

. آل عمران/۱۵۹.

۱. پیامبر اکرم ﷺ مایه رحمت برای جهانیان و به‌ویژه مؤمنان است. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۲﴾، ﴿... وَرَحْمَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ... ۳﴾ پیامبر در پی سعه صدری که داشت، کلام همه را با خوش‌رویی می‌شنید، تا جایی که برخی می‌گفتند پیامبر خوش‌باور است. ﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُونَ لِلْمُؤْمِنِينَ... ۴﴾. به علت این گشاده‌رویی، مردم جرأت پیدا می‌کردند حتی مسائل خصوصی خود را با پیامبر در میان بگذارند و گاهی این مسئله موجب به هدر رفتن وقت ارزش‌مند پیامبر می‌شد. از این رو، خداوند حکم کرد مردم پیش از نجوا و دیدار خصوصی با پیامبر صدقه بدهند. پس از پی بردن مسلمانان به اهمیت نجوا با پیامبر ﷺ حکم صدقه نسخ می‌شود.<sup>۵</sup> همچنین شرح صدر پیامبر موجب می‌شود که برخی از مسلمانان حتی بی‌دعوت به خانه پیامبر بروند و غذا بخورند، سپس به صحبت بنشینند که پیامبر نیز حیا می‌کرد و چیزی نمی‌گفت. اما خداوند با صراحت این مسئله را مطرح می‌کند:

﴿... فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْسَبِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤَدِّي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ... ۶﴾؛ «اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید، این عمل پیامبر را ناراحت می‌کرد ولی او از شما شرم می‌کند، اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد...». نکته گفتنی دیگر اینکه وقتی مردم پیامبر را می‌آزارند، ایشان به جای نفرین و درخواست عذاب، برای آنها دعا می‌کرد و می‌گفت: «اللهم أهد قومی فإِنَّهم لا يعلمون»<sup>۷</sup>.

### مقایسه پیامبر اسلام ﷺ با حضرت موسی عليه السلام

همان‌طور که گذشت، حضرت موسی پس از رسالت، از خداوند خواست به او شرح صدر عنایت کند تا بتواند در برابر مشکلات و مسائل تبلیغ مبارزه کند. ﴿

۱. توبه/۱۲.

۲. انبیاء/۱۰۷.

۳. توبه/۶.

۴. همان.

۵. مجادله/۱۲ و ۱۳.

۶. احزاب/۵۲.

۷. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۱.



قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي<sup>۱</sup>» این مسئله مقداری به روحیات اخلاقی حضرت موسی به ویژه کم تحملی، برمی گشت؛ اما در برابر، نسبت به پیامبر و به عنوان موهبتی عطا شده مطرح می شود:

﴿الَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ<sup>۲</sup>﴾؛ «آیا ما سینه تو را گشاده نکردیم؟».

برخی از مفسران برای شرح صدر پیامبر ﷺ این گونه نوشته اند: پیامبر در آن هنگام که خردسال بود و سنی حدود ۳ سال داشت (۸ سال و یا ۱۰ سال هم گفته شده است) دو فرشته آمدند و ایشان را به جایی بردند. سپس سینه ایشان را شکافتند و دلش را بیرون آوردند و با آب زمزم شستند. خون‌های بسته دل ایشان را گرفتند و دور انداختند. سپس دست به شکم ایشان زدند که خوب و سالم شد.<sup>۳</sup>

به خوبی آشکار است که بر فرض صحت، این روایت نوعی تمثیل است و مراد قلب جسمانی پیامبر نیست.<sup>۴</sup>

شرح صدر پیامبر ﷺ ظرفیتی است که او را قادر می ساخت حقایق را دریافت کند و از آزار مردم سنگدل نشود.

﴿وَضَاقَ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ<sup>۵</sup>﴾. ﴿وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ بِضَبِّكَ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ<sup>۶</sup>﴾.

این صفت پیامبر ﷺ هم‌ردیف معجزات دیگر پیامبر شمرده شده است: «لقد سألت ربِّي ووددت أنِّي لم أسأله قلت: إِي رَبِّ إِنَّهُ قَدْ كَانَ أَنْبِيَاءَ قَبْلِي مِنْهُمْ مِنْ سَخِرَتْ لَهُ الرِّيحُ وَمِنْهُمْ مَنْ كَانَ يَحْيِي الْمَوْتَى. قَالَ فَقَالَ أَلَمْ أَجِدْكَ يَتِيمًا فَأَوْتَيْتُكَ؟ قَالَ قَلْتُ بَلَى! قَالَ أَلَمْ أَجِدْكَ ضَالًّا فَهَدَيْتُكَ؟ قَالَ قَلْتُ بَلَى إِي رَبِّ! قَالَ: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ؟ قَالَ قَلْتُ بَلَى رَبِّ».<sup>۷</sup>

«من از خدا چیزی خواستم که ای کاش نمی خواستم، گفتم پروردگارا برای برخی پیامبران گذشته باد را مسخر کردی و برخی مرده زنده می کردند، خدا گفت:

۱. طه/۲۵.

۲. انشراح/۱.

۳. جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر سیوطی، الدر المنثور، ج ۶ ص ۲۶۲.

۴. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱۷.

۵. هود/۱۲.

۶. حجر/۹۷.

۷. عبدعلی بن جمعه حویزی، نور الثقلین، ج ۶، ص ۱۲۴.

آیا یتیمی نبودى که تو را پناه دادم. گفتم: بلى. پس خدا گفت: آیا گم شده نبودى که تو را هدايت کردم. گفتم: بلى اى خدا! گفت: آیا سينهات را گشاده نکرده ام و سنگینی را از تو برداشتم؟ گفتم: بلى اى پروردگار».

این حدیث به اهمیت نعمت شرح صدر به پیامبر ﷺ اشاره دارد و اعطای شرح صدر به پیامبر ﷺ را هم ردیف معجزات بزرگی مانند احیای مرده و تسخیر باد قرار داده است که شدت تأثیر آن در باب رسالت و تبلیغ را می‌رساند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، درمی‌یابیم برای هر رهبر، مدیر، مبلغ و به طور کلی هر کس که با مردم سر و کار دارد، داشتن شرح صدر لازم است. انسان باید در برابر مشکلات و مصائب زندگی ظرفیت بالایی داشته باشد و از راه تدبر در قرآن، ذکر، دعا و تسبیح سعه صدرش را افزایش دهد و همانند پیامبران بزرگ الهی اوصافی که برگرفته از شرح صدر است، مانند حلم، صبر، بردباری، عفو و گذشت را به کار بگیرد تا همواره مسیر سعادت را بییماید.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، قصص الانبیاء، تحقیق مصطفی عبدالواحد، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۸۸ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۴. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۳.
۵. ترمذی، ابو عبدالله محمد بن علی الحکیم، بیان الفرق بین الصدر و القلب و الفؤاد و اللب، تحقیق: احمد بن الرحیم السایح، مرکز الکتب للنشر، قاهره.
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۲ق.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتب، ۱۴۰۴ق.
۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، دار المعرفه، جده، ۱۳۶۵ق.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، بی تا.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، چاپ سوم، کتابفروشی

- مرتضوی، تهران ۱۳۷۵.
۱۲. طوسی، محمدبن حسن، الامالی، دارالشفاء، قم.
۱۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳.
۱۴. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، چاپ، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۱.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، مؤسسه وفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، دار الحدیث، ۱۴۹۱ق.
۱۷. مصطفوی، سید حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ بیست و یکم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۲.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.